

بررسی سبک «ترسل اسفزاری»

(ص ۴۴۴ - ۴۲۷)

محمود مدبری (نویسنده مسئول)^۱، محمد رضا صرفی^۲، محمد صادق بصیری^۳، سید امیر جهادی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

ترسل و انشا از فنون شریف و ارزشمند دیوانی است و منشیان و کاتبان از دیرباز ضمن ارائه اصول نظری کتابت به تالیف آثار عملی نیز دست میزده‌اند. از جمله این آثار میتوان به «زینة الکتاب» منسوب به بیهقی، «عتبه الکتبه» بدیع جوینی، و «دستور الکاتب» هندوشاه نخجوانی اشاره کرد. در اینگونه کتابها علاوه بر وجود نمونه نثرهای فصیح و زیبا، سبک و شیوه نگارش آنها خود در حکم دستورالعمل و الگویی است برای درست و زیبا نویسی.

از آثار دیگر در این زمینه میتوان به «ترسل» معین الدین اسفزاری، منشی و شاعر نامدار قرن نهم اشاره کرد که چند نسخه از این اثر موجود است. این اثر مشتمل بر مقدمه، چهار منشاء و یک خاتمه است. انواع گوناگونی از نامه های رسمی و غیر رسمی در اثر آمده است. بدین روی اسفزاری کوشیده که هم اثر وی جامع مکتوبات عصر تیموری باشد و هم اینکه نمونه و الگویی برای کاتبان و مردم عادی به دست داده باشد و شاید به همین علت باشد که ترسل از قبول عام برخوردار شده است. پرسش اصلی پژوهش در وهله اول آن است که ویژگیهای اصلی سبک نثر دوره تیموری به ویژه در آثار ترسل و انشا چیست؟ و ثانیاً مختصات سبکی ترسل اسفزاری چیست؟ سبک نثر ترسل اسفزاری به رغم سادگی جریان کلی نثر در دوره تیموری، در شمار نثرهای فنی و منشیانه است، البته گرایش عمده مترسلان و دبیران درباری در این عصر به نثر فنی و مصنوع میباشد. نگارندگان مقاله حاضر برآنند تا ضمن معرفی مختصر اسفزاری و ترسل او، به بیان مختصات سبکی اثر بپردازند.

کلمات کلیدی

سبک شناسی، ترسل، اسفزاری، کتابت و انشاء، دوره تیموری

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان modaberi2001@yahoo.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۴. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان jahady2000@gmail.com

مقدمه

بسیاری از ادب پژوهان، دوره تیموری را پایان ادبیات کلاسیک فارسی محسوب میکنند، چرا که آخرین بازماندگان و استادان شعر و ادب نظیر جامی، کاشفی، خواجه جهان و ... در این عصر ظهور کرده‌اند. در این مقطع تاریخی به واسطه توجه خاص سلاطین تیموری به هنر و ادب آثار بی شماری تألیف میشود، اما جای بسی تأسف است که تا کنون بسیاری از این آثار یا تصحیح نشده‌اند و اگر هم به چاپ رسیده باشند آنگونه که شایسته باشد معرفی نگردیده‌اند.

یکی از بزرگان دوره تیموری معین الدین محمد زمجی اسفزاری هروی، منشی، شاعر، خوشنویس و مورخ مشهور است، و با آن همه «صیت و آوازه که در دوره خود داشته، در طی زمان و تضاعیف دوران چهره صفحات تاریخچه زندگانی او غبارآلود و تیره گردیده است.» (مقدمه روضات الجنات، امام، ج ۱: صفحه و مقدمه) خواند میر مورخ و منشی مشهور معاصر اسفزاری درباره اش چنین نوشته است: «... و جناب بلاغت دثاری مولانا معین الدین محمد الاسفزاری که در فن انشاء نشان و مکتوب ید بیضا می نمودند.» (خواندمیر، نامه نامی، نسخه خطی دستنویس آستان قدس رضوی: ص ۴۱). از او آثاری باقی مانده است: کتاب *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات* که به چاپ رسیده و «ترسلی مشتمل بر منشآت و مناشیر و مکتوبات [که] در میان مردم مشهور است» (حبیب السیر، خواندمیر، ج ۴: ص ۳۴۸) «ترسل» اسفزاری تا کنون تصحیح نشده و در غبار زمان به دست فراموشی سپرده شده است. «ترسل» اسفزاری، از جمله آثاری است که از همان زمان تألیف و در عصر خود مولف به شهرت و قبول عام رسیده است. (حبیب السیر، خواندمیر، ج ۴: ص ۳۴۸)

در این مقاله پاسخ به پرسشهای زیر مد نظر است:

ویژگیهای سبک نثر دوره تیموری چیست و آیا آثار مترسلان نیز در این مقوله می‌گنجد؟ مولفه‌های اصلی سبک نثر ترسل اسفزاری در محورهای زبانی، معنایی و ادبی چیست؟ در این مقاله ابتدا به شکل مختصر اطلاعاتی درباره «ترسل» اسفزاری و شاخصه‌های سبک نثر دوره تیموری بیان و در ادامه برای بررسی ویژگیهای سبکی نثر «ترسل» ده درصد از متن اثر، که از بخشهای مختلف انتخاب شده، به عنوان نمونه بررسی میشود و ویژگیهای زبانی، معنایی و ادبی متن در این ده درصد برگزیده بررسی و بیان خواهد شد.

از آن جایی که «ترسل» اسفزاری اثری ناشناخته و در عین حال ارزشمند و مهم از دوران تیموری است، بررسی و بیان ویژگیهای سبکی آن میتواند نشان دهنده نمایی از جریان سبک نثر نویسی ترسل و انشای دوره تیموری باشد و نکات مبهم درباره اسفزاری و اثر او را روشن نماید.

– **ترسل:** اثر اسفزاری در زمینه کتابت و انشا است و خود مولف هم آن را به این عنوان نامیده. از این اثر با عناوینی چون «رساله قوانین»، «منشآت» و «انشای معین» هم یاد شده است. اما واژه ترسل در لغت، لفظ عربی است و «آن چیزی است که پاره‌ای از نظم و نثر به هم برآورده، به خطوط مختلف بنویسند و اطفال دبستان را برای خواندن دهند تا از هر قسم خط و عبارت مطلع شوند» (فرهنگ چراغ هدایت: ص ۸۰) هرمان اته در تاریخ ادبیات فارسی از ترسل وی به عنوان اثری «که اهل مشرق آن را اهمیت خاصی قائلند» نام میبرد. (تاریخ ادبیات فارسی: ص ۲۴۶) و به همین جهت «نخستین اثر او که در فن ترسل نگاشته شده و مشتمل بر فرمانها و نامه‌های دیوانی که خود انشا کرده بود، در میان اهل فن شهرت داشت» (تاریخ ادبیات در ایران، صفح ۴: ص ۵۳۷) و در اثر مزبور «مکاتیبی را که از جانب سلطان حسین نوشته است ثبت کرده» است. (تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، نفیسی، ج ۱: ص ۲۵۲)

«ترسل» اثری متشمل بر امثله، مناشیر، مراسلات و اجوبه و رقاعی است که اسفزاری در طول دوران دبیریش از جانب سلطان حسین بایقرا به بزرگان و صدور و سلاطین سایر ممالک نوشته است، و به عنوان الگو در نزد مردم و کاتبان مطرح بوده. البته قصد نویسنده از تالیف اثر، بیان موازین کتابت و دبیری به صورت نظری نیست، بلکه قصد دارد با بیان کردن مکاتیب در موضوعات گوناگون، الگو و سرمشقی عملی برای کاتبان و نیز عامه مردم به دست دهد. در این اثر بخش بندی دقیقی توسط مولف به عمل آمده و عناوین و مکتوبات به صورت موضوعی در ساختارهای خاص و مجزاً در فصول و منشآت گوناگون طبقه بندی شده اند. انواع گوناگونی از نامه‌های رسمی و غیر رسمی در اثر آمده که میتوان به گونه‌های زیر اشاره نمود: امثله، مناشیر، فرمانها، نشانها، سلطانیات، اخوانیات، عرضه داشتها، اجوبه، نامه‌های تسلیت و تعزیت، نامه به خواتین، فتح نامه، مقدمه نویسی بر آثار معاصران، کتابه‌ها، انشاء لوح مرقد و قطعه‌های تقاضایی (اسئله).

نسخ «ترسل اسفزاری»

- الف) نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در مقاله حاضر اساس کار ماست.
 ب) نسخه کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی.
 ج) نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی. (فهرست نسخه های خطی فارسی، منزوی، ج ۳: ص ۲۰۹) (فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران درایتی، ج ۲: ص ۱۱۵۳)
 د) نسخه کتابخانه موزه بریتانیا. (catalogue of persian manuscripts in the library of india office, Ethe: P1131)

- ویژگیهای سبکی نثر دوره تیموری: با توجه به این که اثر مورد بحث این مقاله یعنی «ترسل اسفزاری» در حوزه کتابت و انشاست، لذا ابتدا به بحث و بررسی سبک نثر آثار ترسل و انشای دوره تیموری میپردازیم و سپس به صورت مفصل و دقیق به بررسی ویژگیهایی سبک‌شناسی «ترسل» خواهیم پرداخت.

در اینجا اشاره‌ای کلی به مختصات سبک نثر دوره تیموری به ویژه در آثار ترسل و انشا خواهیم داشت: ۱- حرکت به سوی ساده نویسی که جریان کلی سبک نثر این دوره است و «نثر پارسی در این دوره به تدریج از مبالغه‌های صنعتی و فنی قرون مقدم آزاد میگشت» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۴: ص ۴۶۵) ۲- نفوذ کلمات و ترکیبات ترکی و مغولی (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۳: ص ۲۱۰ - ۲۰۹) ۳- ضعف تألیف و عدم توجه به قاعده‌های دستوری (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۴: ص ۴۶۵) ۴- استعمال افعال به صیغه وصفی جدید یعنی ماضی نقلی، با حذف ربط خبری که (است) و سایر ضمیران باشد، به تکرار در نامه‌ها دیده میشود. (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۳: ص ۲۰۲) ۵- کثرت استعمال واژگان و ترکیبات عربی. (همان: ۲۰۹) ۶- مطابقت صفت و موصوف تحت تأثیر نحو عربی. (همان: ۲۰۹) ۷- استشهاد به اشعار، عبارات و آیات و ذکر اشعار سست و غیر معروف که غالباً از خود منشیان یا امیرزادگان است و از یاد رفتن شواهد شعری معروف و مطبوع (همان: ۲۰۲) ۸- حذف افعال بدون قرینه. (همان: ۲۰۹) ۹- جمع بستن کلمات فارسی با «ات» یا به صورت جمع مکسر. ۱۰- اطناب. ۱۱- نثرشاعرانه: یعنی به کار رفتن عناصر و صنایع ادبی مربوط به شعر در نثر، البته همراه با تحلیل شعری که از عوامل اطناب در متن است. ۱۲- براعت استهلال که اصلیت‌ترین شاخصه مکاتبات دوره تیموری است. (همان: ۲۱۰) ۱۳- «چیز تازه ای که در این عصر میبینیم القاب و عناوین و پرچانگی‌هایی است که مولفین اخیر دوره تیموری در اوایل کتب یا تشبیب فصول درباره ممدوح معمول میدارند.» (همان: ۲۰۸) ۱۴- کاربرد فعل به صیغه امر غایب که اولاً به جهت رعایت ادب و احترام و ثانیاً به واسطه اینکه مکتوب لحنی غیر مستقیم داشته باشد، در آثار این دوره خصوصاً در رکن توصیه و سفارش مکتوب، بسیار کاربرد دارد.

- بررسی ویژگیهای سبک‌شناسی ترسل اسفزاری

- ویژگیهای زبانی «ترسل» اسفزاری

- لغات عربی: در صد بالایی از واژه‌های مورد استفاده نویسنده، کلمات عربی است. لغاتی که اغلب آنها را میتوان در شمار کلمات کم کاربرد عربی محسوب نمود. برای نمونه تعداد

لغات عربی مورد استفاده نویسنده در یک صفحه از «ترسل» ۱۰۱ مورد است. (۳۴، اساس) برخی از لغات عربی متن عبارتند از: نضارت، سایم، نقیر و قطمیر، شعیر، اسعاف، ترقین، مناص، انجبار، قطن، امصار، ارسام، مطاف، جلابیب، ضراعت.

– **تأثیرپذیری از نحو عربی:** در متن نمود چندانی ندارد که بتوان آن را در شمار مختصات سبکی متن برشمرد. بارزترین مورد تأثیرپذیری، تطابق صفت و موصوف در جمع و جنس است مانند: مصرعین مقبولین مشهورین، حقوق مصکوک، اغاطم خواقین، ثمرات شجرات، ادعیه صالحه، اثنیۃ فایحه، لطایف عواطف، رجال ابطال، شرایف اوقات، رغایب استعارات، رسوم محدثه، قضیۃ معلومه، آلف خدمات، قطرات اقلامه، الطف ازمنه.

مورد دیگر جمع بستن لغات غیر عربی به صیغ جمع مکسر عربی یا جمع بستن به «ات» جمع مونث سالم: خوانق، خواتیم، شلتاقات، تمغاوات، بساتین. جمع الجمع: عوارضات.

– **عبارات و جملات عربی:** به میزان بسیار بالایی در متن استفاده شده اند. اکثر عبارات عربی متن، جملات دعایی میباشند که بیشتر در پایان نامه‌ها آمده‌اند و بعضاً در اوایل مکتوب. علاوه بر جملات دعایی، تعداد بسیاری زیادی از این عبارات در موضع القاب و نعوت بیان شده‌اند. برای نمونه میتوان به این عبارات اشاره کرد: نسیاً منسیاً، ابدالله تعالی برکات اوقاتها و خلد میامن عواطفها و افاضاتها، لا یعدو ولا یحصی، مشارالیه، من حیث الاستقلال، علی تعاقب الایام و ترادف الشهور و الاعوام، حسبما تقتضیه الشرع، صارمن ذلک، نصب العین، علی اسرع الایام، علی اختلاف طبقاتهم، علی ای حال.

– **استشهاد به آیات قرآن و احادیث:** بخش زیادی از حجم متن هر مکتوب را آیات و احادیث مرتبط به موضوع نامه تشکیل میدهد، که مولف با حسن ذوق و سلیقه و به تناسب رعایت اقتضای حال و مقام و محتوای نامه از آنها سود جسته و آنها را به گونه‌ی درج و تضمین در اثر به کار برده است. مانند: قل لا اسئلكم علیه اجراً الا الموده فی القربی، انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً و / حدیث: لا ایمان له لمن لا صلوه له و لا صلوه لمن لا زکوه له، لولاک لما خلقت الافلاک، الارواح جنود مجنده فما تعارف منها ائتلف، قبل از احادیث معمولاً واژه مدلول، فحوا، مرویه، حکم و خبر آمده است.

– **ابیات و مصاریع عربی:** که به میزان زیادی در متن استفاده شده‌اند، و متناسب با اقتضای مقام و رعایت حال مخاطب، البته نسبت ابیات عربی به فارسی کمتر است و تمامی اشعار عربی متن بدون ذکر نام سراینده آمده‌اند و تنها دو مورد است که نام سراینده را ذکر کرده است، قبل از اشعار عربی اغلب واژه «نظم» و گاهی «شعر» آمده و در پاره‌ای

موارد «بیت» و قبل از مصاریع عربی گاهی «ع» و گاهی «مصرع» آمده است. در ضمن برخی از ابیات عربی متن به صورت ملمع فارسی و عربی است:

صلاح العباد و رشد الامم و امن البریات من کل غم

بشيئين ما لهما ثالث بحرق الحسام و رفق القلم

اشعار عربی متن از شاعران گوناگون و ادوار مختلف است و این نشان دهنده غور مطالعه اسفزاری در ادبیات عرب است.

- **ابیات و مصاریع فارسی:** نسبت ابیات فارسی به ابیات عربی بسیار بیشتر است. اکثر قریب به اتفاق اشعار بدون ذکر نام سراینده آمده‌اند. برخی از اشعار از خود مولف است که با قید «کما اقول» یا «لمولفه» آمده است. البته، اسفزاری خود شاعر بوده و «نامی» تخلص میکرده، و ذکر کردن شعر از خود نویسنده یکی از مختصات سبک نثر آثار دوره تیموری است. اشعار به تناسب و رعایت مقتضای مقام و موضوع مکتوب انتخاب شده‌اند. قبل از اشعار فارسی واژه «بیت» و قبل از مصاریع فارسی «ع»، «مصرع» یا «نظم» آمده است و قبل از مثنویهای مختصر «مثنوی» و قبل از رباعی معمولاً «رباعی» آمده و گاهی هم قبل از اشعار هیچ کلمه‌ای ذکر نشده است. اشعار فارسی از شاعرانی چون حافظ، سنایی، نظامی (مخزن الاسرار)، جامی، سعدی و خواجه شمس الدین صاحب دیوان جوینی، مجیر الدین بیلقانی و ... هستند. ابیات ملمع هم در ضمن متن آمده است.

شعر از خود مؤلف:

دل به دلبر در وصال و دیده محروم از جمال جان به جانان همنشین و تن به هجران در گرو

- **ترکیبات متعاطف:** که در رساله بسیار زیاد آمده. اولاً اکثر واژه‌های عربی به عنوان معطوف به کار رفته‌اند؛ ثانیاً کلمات متعاطف، مترادف و هم معنی هستند. ثالثاً طرفین متعاطفها یا عربی و فارسی، و یا عربی و عربی است: فوز و فرصت، معاضدت و موافقت، علایق و بوابق، وثوق و استظهار، لایعدث و لایحصی، سرما و ثلوج، اشتیاق و آرزومندی، آمل و سایل، صرفه و غبطه، مسابقت و مشایعت، توقیف و تسویف.

- **صفات:** صفات مورد استفاده در متن اثر، اکثراً صفات عربی هستند و یافسانی که با وندهای فارسی صفت ساخته‌اند، و شمار اندکی از صفات، فارسی هستند: شفقت، کبیر، مشکل‌گشای، حقایق‌نمای، خیبت، رجا، رخا، رفیع، شمسیه الشعاع، عالی، شریف،

کشورستان، روشن رای، گیتی پناه، صادق القول، راست قلم، مناهی، عاطر، موشح، مزین، نفیس.

– **فعل وجه وصفی:** کاربرد افعال به وجه وصفی در «ترسل اسفزاری» از بسآمد بالایی برخوردار است و به واقع این ویژگی از مختصات لفظی سبک نثر «ترسل» است. فعل وجه وصفی «همان صیغه مفرد غایب ماضی نقلی است که گاهی به قرینه و گاهی بی قرینه، جزء «است» یا «اند» از آن حذف میشود و همان صفت مفعولی بر زمان ماضی نقلی دلالت میکند.» (تاریخ زبان فارسی، نائل خانلری، ج ۲: ص ۲۵۷): چندین سال در امور ملک و مال دست طولی داشته و ید بیضا نموده و مساعی مشکوره مصروف گردانیده و خدمات مقبول به تقدیم رسانیده.

– **نشانه‌های جمع:** جمعهای به کار رفته در اثر از نوع جمع مکسر، جمع الجمع، جمع به «ان» و جمع به «ات» میباشد. گاهی اوقات واژه‌های فارسی و غیر عربی یا جمع مکسر بسته شده اند و یا به «ات» جمع بسته شده‌اند. مکسر: دنانیر، خوانق، خواتیم، جمال، ابطال، فسقه، عقود، انکحه، اضالیل، بواعث، اوباش، بساتین، خواتین.

ان: تاشقین، قوشچیان، صحرانشینان، بارغان، وارغان، متصدیان، گماشتگان، تواجیان.

ات: حضومات، ترکات، تعزیرات، شلتاقات، عوارضات، تمغاوات، تنسوقات، مالیات، متروکات.

– **لغات و عبارات ترسل و انشاء:** از آنجایی که اثر مورد بررسی در موضوع ترسل و انشاء است، در بردارنده تعداد زیادی از مکتوبات دیوانی و رسمی است، به همین جهت شمار زیادی از واژه‌های مربوط به علم کتابت و انشاء در این اثر آمده است. از جمله: رساله، خطاب، کتابت، تحیت، دعا، نامه، تشریف، بلاغت، خط، دبیر، منشیان، کاتب، دوات، صحایف، ترسل، رقع، مقدمات، منشاء، اخوانیات، اجوبه، ملطفه، مخاطبات، مکاتیب مصنوعات.

– **لغات ترکی و مغولی:** لغات ترکی و مغولی نیز در این متن زیاد است و آن هم از یکسو به دلیل عصر تاریخی تألیف کتاب و تأثیر حکومت‌های مغولی، ایلخانی و تیموری و از سوی دیگر رواج ترکی گویی و ترکی نویسی است. پاره‌ای از لغات ترکی و مغولی متن حاضر عبارتند از: سیورغال، قشلامشی، توشقان بیل، ایکچی، تاشقی، قورچی، کومک، توشقان، طغرا، تمغا، یرلیغ، خاتون، ایلچی، یراق، یامچی، بدرقه، بنیجه، بیچی بیل، تواجی.

– **کاربرد فعل به صیغه امر غایب:** از جمله مختصات بارز سبک نثر «ترسل اسفزاری» است و نویسنده از این فعل خصوصاً در رکن انتظارات و سفارش به صاحب منصب یا مردم و

عوامل، سود می‌جوید و این از آن بابت است، که نویسنده فعل امر غایب را محترمانه‌تر از امر مخاطب دانسته و به جای بیان مستقیم در امر، شیوه سوم شخص مفرد و گاهی جمع را در پیش می‌گیرد: اگر مقام اضطرار باشد به امر مخدوم شروع واجب باید دید.../دقیقه‌ای از وظایف راستی و امانت و شمه از مراسم احتیاط و صیانت نامرعی نگذارد./

- **حذف فعل با قرینه و بدون قرینه:** حذف شناسه فعل خصوصاً در ماضی نقلی و ماضی بعید از موارد پرکاربرد، استعمال فعل در اثرست: سر از گریبان بغی و افساد برآورده داشتند و اراقه دماء مسلمانان ... غنیمت می‌پنداشت / نصب العین خاطر آفتاب شعاع داشته همت برجیس ارتفاع بر ترتیب اسباب... برگماشته‌ایم./

- **وجه دعایی فعل:** از موارد پرکاربرد فعل است، که اغلب در پایان مکتوبات و برخی مواقع در آغاز مکتوبات می‌آید. جملات دعایی در ترسل غالباً عربی و گاه فارسی با استعمال فعل در صیغه دعایی است: ممتع باد از عمر و جوانی، معمور دارد، آیات فتح و فیروزی همیشه هم عنان باد. / ممدود و مستدام باد. / جملات دعایی عربی: علیه افضل التحیه و اکمل الدعا / بالبنی و آله الامجاد / ادام ایام دولته و اقباله / لزال صدرأ عالیاً لمجامع الکلامین و بدرأ علیاً لداجر امور آلالمین./

- **لغات و عبارات احترام آمیز و در مقام بندگی:** که هم در مکتوبات رسمی مانند مناشیر، نشانها و سلطانیات و هم در عرضه داشته‌ها نمود وسیعی یافته است و افعال محترمانه نیز که با مصادر «نمودن، فرمودن» بیان شده‌اند: عالی حضرت کرامت منقبت / غوث الاسلام و المسلمین / سده رفیع / سده عجز و انکسار / مرفوع رأی عالی میگرداند / تفویض فرمودیم / اشارت فرمایند / فقیر نیازمند / در محل شایسته که رأی منیر اقتضا نماید / معروض فرموده / تحفه تحیتی و هدیه ضراعتی مرفوع داشته.

- **لغات و اصطلاحات دیوانی:** از آن جایی که بخش عمده مکاتیب این اثر، امثله و فرامین و سلطانیات و اجوبه مکاتیب رسمی است، لغات و اصطلاحات دیوانی کثیری در متن ترسل به کار رفته است. برای نمونه میتوان به واژه های ذیل اشاره کرد: منشور، نشان، خطاب، عهد، نامه، ادرار، دیوان، سیورغال، یرلیغ، تمغا، مثال، مناشیر، امثله، فرامین، احکام، استیفاء، صدارت، توقیع، نقابت، اشراف دیوان، نشان شیخ الاسلامی، منشور مستوفی، پروانجی، نیابت خالصات./

- پاره‌ای خاصیت دستوری

* ی مصدری: ناسپاسی، ناشناسی، واجبی، خدمتکاری، کوتوالی، یگانگی، بیگانگی.

* ی نسبت: امیدگاهی، جهانی، مکانی، روحانی، عالی مکانی، اشباحی، ارواحی، ملاذی، استظهاری، غوث الاسلامی،

* کاربرد را: غالباً نشانه مفعول است و گاهی اوقات به معنی حرف اضافه به کار رفته است: ایشان را حقوق قدمت خدمت و سابقه... ثابت بوده / رعایت حقوق تربیتش را تذکری درقلم آرم و ملازمان عتبه گردون مرتبتش را یادگاری گذارم./ و گاهی اوقات با حرف پشوندی «مر» به کار رفته است: مر حضرت عالی مرتبت معدلت منقبت مسکین نوازی را که با آنک... /

* اغلب قیده‌های مستعمل در اثر، قیود عربی هستند و تعداد کمتری فارسی: علی الدوام، سیما، علی اسرع الایام، علی اختلاف طبقاتهم، علی ای حال، من حیث الاستقلال، عاقبه الامر، عیاداً بالله. وقید فارسی هرآینه که از موارد پر کاربرد است.

- فاصله افتادن بین نهاد جمله و فعل: از دیگر ویژگیهای سبکی این اثر کاربرد جملات طولانی است، یعنی جملاتی که بین نهاد و فعل آنها عبارات حشوگونه بسیاری مانند جملات دعایی یا القاب و عناوین فاصله انداخته است. مانند: شاهد عدل این دعوی و موگد صدق این معنی آنکه پیوسته خاطر آفتاب تنویر و ضمیر منیر برجیس تاثیر، بر نظام احوال طبقات سادات عظام و طوایف قضات اسلام و مشاهیر علماء اعلام و جماهیر فصلاء ایام و ارباب فضل و کمال و اصحاب استحقاق و استیصال متوجه داشته... .

- **عناوین والقاب:** یکی از عناصری که باعث اطناب و تفصیل «ترسل اسفزاری» شده است، القاب و عناوین بسیار زیادی است که نویسنده در جای جای متن استفاده نموده و به قول مرحوم ملک الشعرا بهار برای رسیدن به یک اسم باید «تپه ماهور مدیحه‌ها» را پشت سر گذاشت. (سبک شناسی نثر، بهار، ج ۳: ص ۲۰۸). عناوین و القاب در این عصر و در هر نامه به تناسب منصب و شغل مخاطب نامه ارتباط دارد، و «تعداد نعوت و عناوین در مکتوب، به تفاوت و امتیاز رتبت و مقام بین کاتب و مخاطب بستگی دارد.» (فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ص ۳۲۵). القاب و عناوین در این اثر در همان اقسامی است که خطیبی در فن نثر طبقه بندی کرده است:

۱- عناوین و نعوت مفرده که یا با «ی» نسبت به کار رفته‌اند و یا بدون «ی» نسبت. مانند: اجل، اقدم، العریف، القمقام، الغطریف، اعدل، موید، منتقد، موسس قطب الانامی، غوث الاسلامی، عاطفت شعاری و... . نعوت مفرده همانگونه که مشاهده میشود عربی هستند.

۲- عناوین و نعوت مرکبه: «که عبارت بود از ترکیبات اضافی به شیوه القاب» (همان: ۳۲۶): قطب سعادت، معالی مآب، مستخدم افاضل آفاق، ناصب معالم الصداره

با الاستحاق، سترعلیا، خدر عظمی، خاتون معظمه، زبده خواتین الزمان، زبیده العصر و الاوان بکمال العدل و الاحسان، مستوفی العرب و العجم و... .

القاب تشبیهی: دین پناهی که چترهمايون آسای سلطنتش ابر رحمتی است بر سر عالمیان سایه گسترده و ماهیچهٔ رایت خلافتش آفتاب سعادت است ساحت عالم را منور کرده / آفتاب بی زوال السلطان ظل الله، مورد آثار دعاء اجابت شعار، کهف‌الاسلام و ملاذ المسلمین، شاه ابوالغازی معزالدین سلطان حسین.

- **مکتوبات عربی:** از آن جایی که از دیوان کتابت، مکتوباتی به سران سایر ممالک ارسال میشده، در این اثر مکتوباتی به زبان عربی دیده میشود که اسفزاری به پادشاهان ممالک اطراف نگاشته است و حتی در این مکتوبات نسبتاً مفصل هم اسفزاری جانب تصنع و تکلف را فروگذار نکرده. ده‌نامه از مکتوبات «ترسل» به عربی است.

- **ویژگیهای ادبی «ترسل اسفزاری»:** این کتاب در شمار نثرهای فنی است و نویسنده به جهت اظهار فضل و هنرنمایی و تزیین نوشتهٔ خویش از آنها سود جسته است. برخی از این صناعات در متن نمود بیشتری یافته‌اند، از جمله انواع سجع و جناس، براعت استهلال، مراعات‌النظیر، تشبیه، تشخیص و نثر شاعرانه و اطناب.

- **حُسن طلب:** از آرایه‌های بارز بدیع معنوی در «ترسل» آرایهٔ حُسن طلب است، که در منشا چهارم و در ضمن اسئله آمده است. حُسن طلب آن است که «شاعر سوال خویش در شعر پیدا نکند» (ترجمان البلاغه، رادویانی: ص ۱۲۷) و اینگونه خواهشگری و تمنا از آن بابت است که «حالت خفت و خواهش و جنبهٔ تمنا و ذلت سوال و گدایی از آن سلب شده باشد و طبع طرف سوال را نشاط بخشندگی انگیزد» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۳۱۶) البته لازم است که خواننده از «الحاح دوری جوید و رعایت جانب مخاطب را فرو نگذار.» (ابدع البدایع، گرگانی: ص ۲۳۶) این صنعت آن گونه که در کتب بلاغی ذکر شده، خاص شعر است؛ اما طرز کاربرد آن در «ترسل» نمونه‌ای از بکارگیری استادانهٔ این صنعت در نثر فارسی است. برای نمونه یکی از این قطعه‌های تقاضایی نقل میگردد: «طلب التشریف: منعما بنده نوازا، از بندهٔ بی‌هنر به سبب برهنگی هزار عیب پنهان پیدا شده و عیب‌پوشی جامه‌ای است که از جامه‌خانهٔ حضرت ستار بر ذات بزرگوار آن حضرت پوشیده‌اند. رجا صادق که عیوب بنده نیز به ذیل خلعت کرم آن حضرت پوشیده گردد.

- **اسجاع:** کاربرد سجع و انواع آن و عبارات مسجع در «ترسل» از مختصات اصلی ادبی متن است. و نویسنده به آرایهٔ موازنه و ترصیع، درنثر پردازیش توجه بسیار کرده است: حیف قوی بر ضعیف و بار سمین بر عجیف جایز ندارد. / دواعی همت و بواعث نهمت / بدور شمسیت

الشعاع مشارق سلطنت ونجوم بدریّه الالتماع مطالع خلاقت/ قطرات مطرات سحاب الطاف و اثرات رشحات شایب اعطاف/ بصایراستادان کارگاه ابداع وهنرپروران دستگاه اختراع/ عتبه قدسی آستان وسده قدوسی آشیان و... .

- جناس نیز از آرایه‌های لفظی مورد توجه اسفزاری است و نویسنده به نوعی سعی در بازیهای لفظی و زبانی دارد، چرا که از میان اقسام جناس بیشتر به جناس خط، لفظ، اشتقاق و شبه اشتقاق و قلب توجه دارد: مبین، مبین / نوایر تواتر/ جنان، جنان / جناح، جناح / بال و فال / توفیق، و قیوع / طغرا، غرا / فضا، قضا/ قافله، قوافل / صفوت، اوصاف / مساس، اساس / مبین، متین / ذمه، ذمیمه / حام، حامل / محامد، ممداح / سیر، سیر / سنن، سنن / سموم، هموم و

- **مکتوبات مزین (موشح)**: نامه‌های موشح نسبت به سایر بخشهای متن مصنوعترند و نویسنده چون به صاحب قلمی نامه مینوشته، تمام تلاش خویش را به کار برده و سمندسخن در میدان هنر نمایی تازانده است. نمونه آن «مکتوب موشح به خواجه جهان» است که اسفزاری در این مکتوب از آرایه توشیح بهره برده. این آرایه طبق کلام بلاغیون آن است که شاعر یا نویسنده در طی نظم یا نثر کلماتی درج کند که چون آنها را مرتباً خارج نمایند، کلامی جداگانه شود. (حدائق السحر فی دقائق الشعر، وطواط: ص ۶۰) و (ترجمان البلاغه، رادویانی: ص ۱۰۵) و (ابدع البدایع، گرگانی: ص ۹۵) و (المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس: ص ۳۹۴) و این سخن استخراج شده گاه بیت شعر و یا «متضمن بیان مقصود و یا نام و لقب کسی است.» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۸۲) و در انتهای نامه توشیح مورد نظر را چنین مینویسد: «توشیح اوایل سطور: «کسی که بر همه تن حکم او روان باشد توشیح او آخر سطور: عماد دولت و دین خواجه جهان باشد.»

- **نثر شاعرانه**: «نگارش نثرهای شاعرانه، در همه ادوار نثر فارسی معمول بوده است و نمونه‌های ممتاز آن در انواع نثر دیده میشود. برای نمونه بخشهایی از نثر شاعرانه ترسل نقل میشود که در باب توصیه به صاحب منصب «احتساب» است: «آب روی پیاله و جام عقوبت انجام را ریخته، شیشه ناموس ایشان را بر سنگ افسوس زند و به نصایح تلخ الحق مر، پنبه غفلت از گوش صراحی بکشد و اگر سرکشی نماید گردن او را نرم سازد... مغنی بی معنی گوی اگر بی قانون شریعت آواز کند چون مفتی به زخم گوشمال فریاد از نهاد او بر آورد ... به ضرب طپانچه پوست از روی دف بر کند»

- **اطناب**: از ویژگیهای اصلی منشآت دوره تیموری است که در اثر مورد بحث هم نمود بسیاری دارد. اغلب نامه‌های اثر نسبتاً مفصل و طولانی هستند. البته نویسنده اطناب بسیار

را شایسته کلام نمیداند و در پایانِ نامه به قول خود «سَدَبَابِ اطناب» میکند. مواضع اطناب در ترسل عبارت است از: ۱- در موضع القاب و عناوین ۲- مترادفات و ترکیبات متعاطف ۳- تشبیهات و توصیفات وقایع، مناظر و صحنه‌ها. ۴- استشهدا به آیات، احادیث، اشعار عربی و فارسی. ۵- عبارت پردازیه‌های عربی خصوصاً در جملات دعایی. ۶- در رکن انتظارات و توصیه، اسفزاری با تفضیل بسیار و موشکافانه مطالب را مطرح مینماید. ۷- رکن مقدمه یا صدرنامه نیز بسیار مفصل و مبسوط آمده است.

- ایجاز: به رغم آنکه اکثر مکتوبات «ترسل اسفزاری» مطنب و مفصل هستند، اما دسته‌ای از مکتوبات مانند عرضه‌داشتها هستند که حالتی الگو وار داشته و به اکثر طبقات جامعه نوشته شده‌اند. خصوصیت اصلی این نامه‌ها رعایت ایجاز و اختصار است، زیرا این مکتوبات از طرف مردم به بزرگان نوشته میشود و بایستی مستقیماً به اصل مطلب رجوع کرده و از ذکر حواشی و اضافات اجتناب کنند.

- براعت استهلال: اسفزاری در اکثر مکتوبات حتی در دیباچه «ترسل» از این صنعت سود جسته است. به گونه‌ای که با مطالعه آغاز نامه میتوان به موضوع نامه و منصب مخاطب مکتوب پی برد. برای نمونه موردی از این صنعت ذکر میشود: «شان کوتوالی قلعه: چون حضرت جهاندار لایزال جل و علا... شرفات قلاع گردون ارتفاع عظمت ما را به عنان رفیع المکان آسمان برافراشته و حصن حصین سلطنت با تمکین ما را که مامن طوایف انام است از منجیق حوادث و سنگ انداز نوایب ایام محفوظ و مأمون داشته واجب چنان مینماید که در محافظت حدود و ثغور و استحکام قلاع و حصون...»

- تتابع اضافات: تتابع اضافات «آوردن کسره‌های متوالی است، خواه در اضافه باشد و خواه در وصف» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۲۱) و «برخی از ادبا استعمال تتابع اضافات را بیش از حد مخل فصاحت دانسته‌اند.» (اصول علم بلاغت در زبان فارسی، رضائزاد: ص ۲۶) تتابع اضافات در زمره اصلترین مشخصه‌های سبکی متن است که بیشتر در موضع القاب و عناوین و تعارفات استعمال شده است: بررأی حقایقِ نمایِ صدر نشینان مجامع کمال و خرده بینانِ غوامضِ فضل و افضال / ریاحینِ بساتینِ ملک / شقایقِ حدایقِ دین / کواکبِ سعادتِ مناقبِ مشارقِ سلطنت و نجومِ هدایتِ رسومِ مطالعِ خلافت و... .

- ترکیبات اضافی: ترکیبات اضافی که اغلب آنها ترکیبات تشبیهی و استعاری میباشند، نیز درصد عمده‌ای از ترکیبات متن رابه خود اختصاص داده‌اند: خار مغیلان حیرت، پای مرغان اوهام، گردن استظهار، بنان تحریر، قصارای امنیت، هلال آسمان سعادت، خارا جل،

نهال جویبار امانی، شمسۀ ایوان انتباه، گریبان اصطبار، بقراط الزمان، گوش ظفر، لب غنچه
امل، یزک سرما، طاس فلک دوار.

- ویژگیهای معنوی «ترسل» اسفزاری

- **ضرب المثلها:** در حوزه معنوی اثر از میزان نسبتاً بالایی برخوردار هستند، البته اکثراً
ضرب المثلهای عربی بوده و به میزان کمتری فارسی هستند: *تکسرت النصال علی النصال /
الاذن تعشق قبل العین احياناً / اضاعة الفرصة غصه / لسان الحال اصدق من لسان القال / یک
سرتیر از استادان سرتیر گذشته / هر آینه مخلص باید که از آتش بیرون آید / خرمهره را با
ذر برابر میکنند / رباب خشک مزاج را در هر مجلس که بیند بر خرش نشانده اخراج کند.*

- **مبانی نظری کتابت در «ترسل اسفزاری»:** اسفزاری در مقدمه «ترسل» به بیان مبانی
علمی و نظری در باره انشا و کتابت میپردازد و در دو بخش به ویژگیهای کتاب و آداب
کتابت و ادوات آن اشاره کرده، که به واسطه اجتناب از زیاد شدن حجم مقاله فقط به ذکر
نمونه ای از هر بخش اکتفا میشود: درباره خصوصیات کتابت معتقد است که کاتب «باید که
به جمال حسب و کمال ادب آراسته باشد» و «بر جمیع قواعد و قوانین فضل مستحضر
باشد» و بعد از ذکر کردن ویژگیهای کتاب در مورد آداب کتابت مینویسد: «باید که در وقت
کتابت چون سخن حصر شود قلم را در بر گوش نهد که استادان به تجربه معلوم کرده اند که
موجب فتح کلام است.»

- **قبر نوشته ها:** از مکتوبات بارز و متمایز این اثر، قبر نوشته یا یا انشای لوح مرقد بزرگانی
است که اسفزاری نوشته است. این نمونه در آثار معاصران اسفزاری کم نمونه است.
در «ترسل» سه لوح مرقد ذکر شده است. اما ویژگی این قبر نوشته ها: اولاً این
سنگ نگاره ها نسبتاً مفصل و طولانی هستند. دوم کاملاً عربیند. سوم بر ببقاراری و ناپایداری
جهان تأکید میکنند. چهارم تاریخ وفات را به صورت ماده تاریخی که در قالب رباعی است
نقل میکنند.

- **مقدمه نویسی:** از مختصه های بی مانند «ترسل» در حوزه معنایی، مقدمه هایی است که
اسفزاری بر کتب دیگران نوشته است. این امر میتواند نشان دهنده سنت مقدمه نویسی در
ادبیات فارسی باشد. سنتی که البته در میان منشیان معاصران اسفزاری کمتر دیده
میشود. از این مقدمه ها میتوان به «مقدمه کتاب مناسک از تالیف میرزا کجک» اشاره نمود
که در باب اعمال حج نوشته شده است و مورد دیگر «دیباجه شرح کتاب تذکره در نجوم»
است.

کتابه: کتابه، سنگ‌نگاره‌ای است که بر سر در ورودی اماکن عمومی و مهم نصب مینمودند و از عناوین منشأ چهارم «ترسل» است، که اسفزاری در نگاشتن آنها طبع آزمایی نموده است. این کتابه‌ها، نسبتاً مختصر و موجز هستند، و اشاره دارند به تاریخ ساخت بنا، تمجید از پادشاه (سلطان حسین) که به واسطه کمک او و در دوره او بنا ساخته شده است.

- **وقفنامه:** وقفنامه نیز اگر چه چیز جدیدی نیست و از قدیمترین ادوار مرسوم بوده است، اما ذکر شدن آن در یک اثر ترسل و انشا نادر است. وقفنامه‌ها نسبتاً مفصل بوده و با حمد و ستایش خداوند آغاز شده و البته با استعمال صنعت بدیهی براعت استهلال به نوعی موضوع وقف را مینمایانند، بعد از این مقدمه طولانی سخن را به ناپایداری دنیا و بی‌ارزشی حطام دنیوی میکشاند و سرانجام توفیق این عمل را به فرد وقف کننده نسبت میدهد و سپس مورد وقف، جایگاه و تاریخ آن را بیان میدارد.

- **«رقاع مصنوعه مشتمل بر ملتسمات مطبوعه» [اسئله]:** این بخش عنوان فصل دوم از منشا چهارم «ترسل اسفزاری» است که با دقت در عناوین آن، متوجه میشویم که در باب اسئله و خواهشهای افراد درباب طلب چیزی یا برآورده شدن خدمتی هستند که از بزرگان تمنا میکنند. اولاً در هر موضوعی (کالا، خدمات، سفارش، عذر خواهی، تبریک و تهنیت) رقعہ نوشته است، و دوم این رقعہ‌ها بسیار موجز و مختصر و از حاشیه پردازی و ذکر موارد بیفایده بر حذر بوده و مستقیم به سراغ اصل مطلب میروند. سوّم آن که برخی مکتوبات حالتی طنزآمیز و مطایبه مانند داشته و از آرایه‌های ادبی به زیبایی بهره برده‌اند: «در خانه سرد تنگ تاریک فقیر از سوختنی جز نامه اعمال و دفتر اشعار نیست و حرارت سینه مانع سرما از سرمانه.»

- **نامه‌های تسلیت و تعزیت به بزرگان (رثا):** از مختصه‌های مهم معنوی «ترسل» نامه‌های تعزیت و تسلیتی است که اسفزاری به بزرگان و صدور زمانه خویش نوشته است. لحن بیان در این مکتوبات تأثیر گذار و موجد احساس است: این قسمت تحت عنوان مکتوبات تعازی بوده و مشتمل بر پنج تسلیت نامه است: «یعلم الله که از استماع خبر واقعه هایلۀ فرزند ارجمند نهال بوستان سیادت، هلال آعان سعادت... نه چندان الم به خاطر مجروح پرغم رسیده که به زبان قلم شمه رقم توان کرد...»

- **تمایلات شیعی:** اسفزاری بنا به گفته برخی مانند مترجم مجالس النفایس یک سنی متعصب است. (تذکره مجالس النفایس، قزوینی: ص ۲۶۴) اما با این حال به خاندان عصمت و طهارت (ع) ارادتی خاص دارد و از آنان با احترام یاد میکند. همواره در مقام توصیف اهل بیت و طبقه سادات، آیه تطهیر را استشهاد نموده و از حضرت امام رضا (ع) و سایر ائمه (ع)

خصوصاً امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) با بزرگی یاد مینماید: «همواره ضمیر آفتاب تنویر التماس آثار عنایت و اقتباس انوار هدایت از میامن مودت باهره اولاد امجد مصطفی و محاسن نجوم زاهره احفاد انجاد زهرا و مرتضی که خلعت «انمایرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهر کم تطهیراً» بر دوش ... دارند.»

- **نامه های نمونه مانند:** نمونه این مکتوبات در همه منشآت آمده است. از جمله در منشأ اول، مانند نامه اول «منشور حکومت و ایالت ولایتی» که قید مبهم «فلان» را هم برای نام شخص و نام مکان مورد نظر ذکر میکند. در این منشأ (اول) مکتوبات بسیاری از این دست هستند، مانند: «نشان صدرات». غیر از این مکتوبات، در منشأ دوم و سوم که در باب عرضه داشت طوایف انام به بزرگان و اجوه آنها (در منشأ سوم) مکاتیبی را که نوشته همه آنها حالت نمونه و الگو دارند. در منشأ چهارم نیز وقفنامه هایی که دارای عناوین و اسامی خاص نیستند و در آنها قید مبهم «فلان» بکار رفته و «رقاع مصنوع مشتمل بر ملتمسات مطبوعه» که در باب اسئله است نیز حالت نمونه وار دارند.

- **نقل حکایت و داستان:** از آنجایی که موضوع اصلی «ترسل» نامه نگاری است و اکثر این نامه ها رسمی هستند لذا مکاتبات اخوانی کمتر بوده و از اینرو ذکر حکایت و داستان در اثر نسبتاً کم است. با این وجود «ترسل» از ذکر حکایات و داستانهای مرتبط تاریخی خالی نیست و نمونه حکایات در این اثر صرفاً در مقدمه و خاتمه آمده است.

- **نشان بخشش زکات و تمغا:** از دیگر مکتوبات «ترسل» که در فصل سوم منشأ اول ذکر شده، مکتوبی تحت عنوان «نشان بخشش زکوة» است که طبق این حکم معمولاً یک تاجر از پرداخت زکوة معاف میگردد. عنوان مهم دیگر «بخشش تمغا علی العموم» است که سلطان در آن «تمامی جهات تمغاوات ممالک محروسه و ولایات را با لکل معاف و مسلم داشته و کلی و جزوی آن را نسیاً منسیاً» می انگارد.

- **فتحنامه:** میتوان به نامه ای اشاره کرد تحت عنوان «جواب مکتوب از حضرت اعلی به سلطان یعقوب متضمن فتح جماعه هزاره اغا». اولاً این جوابیه به لحاظ شکل کتابت، انشا و ساختار در شمار فتح نامه ها قرار میگیرد و ثانیاً از خلال آن اطلاعات تاریخی ارزشمندی استنباط میشود. «سبک انشاء فتح نامه ها، سبکی مطنب، آراسته به انواع صنایع لفظی و معنوی و اشعار پارسی و عربی و تمثیلات و استعارات و آیات و اخبار و ... بوده است» (فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ص ۳۸۰) تمامی ارکان یک فتح نامه در این نامه طولانی مشهود است.

نتیجه

سبک نثر دوره تیموری در اکثر نوشته‌ها و تصنیفات رو به سادگی و سهولت است. اما این خصیصه در میان آثار مترسلان این دوره چون اسفزاری، جامی و...چندان مشهود نیست و اینان ادامه دهنده سنت مترسلان قرون پیش از خود هستند و نثر را بگونه‌ای مزین و مصنوع در ضمن منشآت خود به کار گرفته‌اند. بدین روی اسفزاری هم که از مترسلان این عصر است از این قاعده مستثنی نبوده و اثر «ترسل» او که در فن انشاء و کتابت نگاشته شده، نمایانگر نثر فنی و مزین دوره تیموری است. نتیجتاً آنکه ترسل اثری فنی و مایل به مصنوع است که در کنار بکارگیری سایر عوامل نثرهای فنی، برخی ویژگیهای خاص خود را دارا است که در ضمن آثار مترسلان بیشتر مشهود است:

- نفوذ کلمات و ترکیبات مغولی و ترکی، عربی‌گرایی خصوصاً مطابقت صفت و موصوف و جملات دعایی و کثرت استعمال لغات و عبارات عربی به ویژه شاذ، استعمال افعال به صیغه وصفی، حذف فعل و شناسه فعل با قرینه و بدون قرینه، اطناب خصوصاً در صدرنامه و رکن توصیه و انتظارات، نثر شاعرانه، براعت استهلال که از مختصه‌های اصلی نثر ترسل است، کاربرد فعل به صیغه امر غایب، القاب و عناوین مطنب و سرشار از تعارفات که متناسب با شغل و منصب و پایه اجتماعی فرد مخاطب است، استشهاد به اشعار عربی و فارسی، کثرت کاربرد واژگان ترسل و انشا، دیوانی و واژه‌های احترام آمیز، وجه دعایی فعل به زبان فارسی، البته بیشتر جملات دعایی عربی هستند، فاصله افتادن بین نهاد جمله و فعل که به واسطه اطناب و جملات معترضه بسیار بوجود می‌آید، سجع پردازی و بهره‌گیری از انواع جناس، حُسن طلب، بکارگیری آرایه توشیح، تتابع اضافات خصوصاً در موضع القاب و عناوین، تشبیه و استعاره و سایر صور بدیعی و بیانی در ضمن نثر شاعرانه، نقل حکایت و داستان، تمایلات شیعی نویسنده، کثرت کاربرد ضرب المثله‌ها. در حوزه مضمونی و معنایی اقسام مختلف نامه‌ها از قبیل امثله، مناشیر، سلطانیات، اخوانیات، عرضه داشتها، اجوبه، تسلیت نامه‌ها، فتح نامه، مقدمه، کتابه، قبرنوشته، امثله، مناشیر، بخشش زکوة و وقفنامه را میتوان نام برد.

منابع

ابدع البدایع؛ گرگانی، شمس العلماء (۱۳۷۷)؛ به اهتمام حسن جعفری؛ تبریز: احرار تبریز، چاپ اول.

اصول علم بلاغت در زبان فارسی؛ رضائزاد، غلامحسین (۱۳۷۶)؛ تهران: الزهراء، چاپ اول.
المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی (۱۳۶۰)؛ تصحیح محمد قزوینی؛ تهران: زوآر، چاپ سوم.

انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی؛ رزمجو، حسین (۱۳۷۴)؛ مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ سوم.

تاریخ ادبیات در ایران؛ صفا، ذبیح الله (۱۳۸۳)؛ جلد ۴، تهران: فردوس، چاپ یازدهم.
تاریخ ادبیات فارسی؛ اته، هرمان (۱۳۵۵)؛ ترجمه صادق رضازاده شفق؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

تاریخ زبان فارسی؛ ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۷)؛ جلد ۳، تهران: فرهنگ نشر نو، چاپ هشتم.
تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی؛ نفیسی، سعید (۱۳۶۳)؛ تهران: فروغی، چاپ دوم.
تذکره مجالس النفایس؛ نوایی، علی شیر (۱۳۶۳)؛ ترجمه فخری هروی و شاه محمد قزوینی، به سعی علی اصغر حکمت؛ تهران: کتابفروشی منوچهری، چاپ اول.
ترجمان البلاغه؛ رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۶۲)؛ تصحیح احمد آتش؛ تهران: اساطیر، چاپ دوم.

حبیب السیر فی اخبار افراد بشر؛ خواند میر، غیاث الدین (۱۳۵۳)؛ جلد ۴، تصحیح محمد دبیر سیاقی؛ تهران: کتابفروشی خیام، چاپ دوم.
حدائق السحر فی دقائق الشعر؛ وطواط، رشید (۱۳۷۶)؛ تصحیح عباس اقبال آشتیانی؛ تهران: کتابخانه طهوری و سنایی، ۱۳۶۲.

روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات؛ اسفزاری، معین الدین محمد زمجی (جلد ۱: ۱۳۳۸ و جلد ۲: ۱۳۳۹)؛ تصحیح سید محمد کاظم امام؛ ۲ جلد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
سبک شناسی نثر؛ بهار، محمد تقی (۱۳۸۶)؛ جلد ۳، تهران: امیرکبیر، چاپ نهم.
فرهنگ چراغ هدایت؛ اکبر آبادی، سراج الدین علی (بی تا)، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: معرفت.

فن نثر در ادب پارسی؛ خطیبی، حسین (۱۳۷۵)؛ تهران: زوآر، چاپ دوم.
فنون بلاغت و صناعات ادبی؛ همایی، جلال الدین (۱۳۷۶)؛ تهران: هما.

فهرست نسخه‌های خطی فارسی؛ منزوی، احمد (۱۳۵۱)؛ ج ۳، تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای.

فهرست واره دستنوشته‌های ایران (دنا)؛ درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)؛ ج ۲، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

معانی و بیان؛ آهنی، غلامحسین (۱۳۶۰)؛ تهران: بنیاد قرآن، چاپ دوم.

موسیقی شعر؛ شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۶)؛ تهران: آگاه چاپ دوم.

نسخه خطی «نامه نامی»؛ خواند میر، غیاث‌الدین؛ به شماره ۷۰۷۵ محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی.

نسخه خطی «ترسل»؛ اسفزاری، معین‌الدین، به شماره ۴۹۹۴ محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی.

نسخه خطی «ترسل»؛ اسفزاری، معین‌الدین، تحریر یافته در سال ۱۲۰۱۲ ه.ق، به شماره ۱۲۷۷۵ محفوظ در گنجینه نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

نسخه خطی «ترسل»؛ اسفزاری، معین‌الدین، تحریر یافته در قرن نهم به شماره ۴۳۶-۱۳۷۱۸ محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

catalogue of persian manuscripts in the library of india office,
Ethe, Hermann (1903), oxford: oxford university.